

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل ها و مواضع رسانه ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / مردم نیازمند تکیه گاه

یکی از کارکردهای مسئولین جمهوری اسلامی، حفظ «روحیه مردمی» و در کنار مردم بودن است. این روحیه، در زمانی که حوادث و بلایا اتفاق می افتد، اهمیت بیشتری پیدا می کند. مردم در حوادث و رخدادها، نیازمند «تکیه گاه» اند، تکیه گاهی که سر به شانه های آن بگذارند و حرف هایشان را بشنود و هر کار که از دستش برمی آید، برای رفع مشکل و محنت آنان انجام دهد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۶۰ / شنبه ۷ دیماه ۱۳۹۸

انحراف ناگفته در بورس بازی

دنیای اقتصاد: در مسیر صعودی سهام همه در پی اخبار مثبت هستند و هیجان رونق دائمی، اثرات خود را در تصمیم گیری معامله گران به خوبی منعکس می کند. اما نادیده گرفتن ریسک ها نشان از نبود آنها نیست، بلکه می تواند نشانه تفکر اشتباه حاکم بر معاملات باشد. در کنار ریسک های پیش روی نوسان قیمتی هر سهام، تهدید بزرگ تری نیز وجود دارد که تبعات آن می تواند دامن گیر مقام ناظر و حتی اقتصاد کشور شود. به این معنا که بورس بازرانی که صرفا خود را مالک سود می دانند، هنگام زیان به دنبال مقصرهای بیرونی باشند. به صورت مشخص بازار سهام دوره ای را پشت سر می گذارد که هر معامله گری که دانش کمتری نسبت به معاملات و معامله گری و متغیرهای اثرگذار بنیادی و حتی بهانه های نوسان قیمت داشته احتمالا سود بیشتری را کسب کرده است. علت این موضوع نیز عدم لحاظ ریسک در نگاه معامله گران است. این دوره با حمایت متغیرهای کلان اقتصادی همراه شده و چشم انداز ادامه بی ثباتی اقتصادی نیز خود دلیلی شده تا معامله گران بیش از همیشه شجاع باشند و بدون توجه به ریسک های موجود به خرید سهام بپردازند. این در حالی است که برخلاف نگاه حاکم بر بازار اتفاقا در مسیر صعودی معامله گر باید نیم نگاهی به اخبار حامی روند صعودی داشته و تمرکز خود را بر ریسک های پیش روی سهام معطوف کند تا هر چه سود کرده در نزول احتمالی سهام دود نشود.

تهدید به استعفای برهم صالح در میانه آتش بحران عراق

دیپلماسی ایرانی: اگر چه با اقدام عادل عبدالمهدی در خصوص تقدیم استعفایش از سمت نخست وزیر عراق شاهد پررنگ تر شدن دایره تنش های سیاسی، گرم شدن تنور رقابت های احزاب و جریانات عراقی برای تعیین جانشین نخست وزیری و افزایش میزان تشتت در وضعیت اجتماعی و حتی امنیتی این کشور بودیم، اما به نظر می رسد که در این میان بازیگری مرجعیت عراق به عنوان مرکز ثقل و کانون توجه همه بازیگران عراقی از مردم معترض در کف خیابان های این کشور تا شخصیت ها، احزاب و جریانات سیاسی در عراق مانع از شکل گیری بحران شد. چرا که در نهایت مرجعیت با نقش آفرینی خود به عنوان پل ارتباطی میان معترضان با مقامات و مسئولین در دولت تا اندازه ای موفق به کنترل و مدیریت شرایط شده اند. بی تردید بعد از کنار رفتن عادل عبدالمهدی از سمت نخست وزیری اگر شخصیتی چون برهم صالح نیز در این برهه حساس، عطای ریاست جمهوری عراق را که فعلا نقش و جایگاه مرکز ثقل سیاسی این کشور را بر عهده دارد و تا کنون هم از فروپاشی کامل ساختار جلوگیری کرده است، به تقایش ببخشد، دیگر هیچ تضمینی وجود ندارد که عراق به سراسیمگی هرج و مرج سیاسی، بحران و حتی جنگ داخلی و در نهایت تجزیه پیش نرود.

اصولی که تلویزیون به پای «پول» قربانی می‌کند

خبرگزاری مهر: تبلیغات بازرگانی ذاتاً با غلو و بزرگ‌نمایی و تخیل همراه است و رسالت سازنده تبلیغات این است که کالا را فراتر از آنچه هست به تصویر بکشد تا بتواند در مقابل شرکت‌های تبلیغاتی کالای خود را به فروش برساند و برای همین می‌تواند آسیب‌زا باشد. بسیاری از تعرض‌ها و سو استفاده‌ها از در نظر نگرفتن همین آموزش‌ها برای کودکان صورت می‌گیرد؛ آموزش‌هایی که در خانواده و مدرسه به کودک ارائه می‌شود اما در تلویزیون و با تبلیغات نقض می‌شود. منوچهر اکبرلو منتقد سینما و تلویزیون در گفتگو با خبرنگار مهر افزود: در جامعه ما روی سبک زندگی تبلیغ می‌شود اما فضای حاکم بر آگهی‌ها، نوع رابطه‌ها، پوشش آدم‌ها و... سبک زندگی مورد نظر جامعه ما را زیر سوال می‌برد و با موسیقی و آدم‌های شاد، نوعی سبک زندگی دیگر را با محوریت مصرف‌گرایی عرضه می‌کند که روی خانه بزرگ‌تر، مکان‌های شیک‌تر و آدم‌هایی که گویی دغدغه‌هایی جدی ندارند تاکید می‌کند. برخی از دوستان من در کشورهای خارجی وقتی بعضی از آگهی‌های صداوسیما را می‌بینند تعجب می‌کنند و می‌گویند که در کشورهای اروپایی همین تبلیغات جرم تلقی می‌شود!

بودجه ۹۹ غیرواقعی‌ترین بودجه

انتخاب: حسین راغفر با اشاره به اینکه بستن بودجه بر مبنای صادرات روزانه یک میلیون بشکه نفت، غیرواقعی است و احتمالاً تهیه‌کنندگان نیز نسبت به این مساله آگاهی دارند، تصریح کرد: «به نظر می‌رسد این درآمد متحقق نخواهد شد و برآیند آن کسری بودجه خواهد بود. در سه دهه گذشته نیز دولت‌ها کسری بودجه را از طریق افزایش قیمت ارز و افزایش نرخ حامل‌های انرژی تامین کرده‌اند. طبیعتاً انتظار خواهد رفت دولت مجدداً قیمت ارز و حامل‌های انرژی را در دستور کار قرار دهد که این خود موجب کسری بودجه در سال بعد خواهد شد. این اقتصاددان افزود: «متأسفانه روند کلی حاکم بر بودجه ۹۹ را نمی‌توان در شخص خلاصه کرد، بلکه باید تفکری را در قبال آن مسئول دانست. «اقتصاد جنگی»، فقط به سال ۹۹ تعلق ندارد، بلکه در سال‌های قبل نیز چنین وضعیتی را شاهد بوده‌ایم اما اکنون پرسش این است که معافیت‌های گسترده مالیاتی به برخی نهادها و صادرکنندگان منابع خام در کشور تا کنون، چه توجیهی دارد؟ همچنین، باید پرسید تخصیص دستوری و غیرمنطقی ارز در کشور چه معنایی دارد؟ لذا تنها مساله بودجه ۹۹ نیست، باید دولت پاسخ‌گوی عملکرد گذشته نیز باشد. بر این باور هستم که تا تغییر بنیادین در رویکرد به وجود نیاید که تاثیر خود را در بودجه‌ریزی نشان ندهد، عملاً آن‌چه که رخ می‌دهد، فشارها بر بنگاه‌ها خرد و کوچک ادامه خواهد داشت.» راغفر در ادامه، با اشاره به اینکه بستن بودجه بر مبنای صادرات روزانه یک میلیون بشکه نفت، غیرواقعی است و احتمالاً تهیه‌کنندگان نیز نسبت به این مساله آگاهی دارند، تصریح کرد: به نظر می‌رسد این درآمد متحقق نخواهد شد و برآیند آن کسری بودجه خواهد بود. در سه دهه گذشته نیز دولت‌ها کسری بودجه را از طریق افزایش قیمت ارز و افزایش نرخ حامل‌های انرژی تامین کرده‌اند.

استراماچونی، رئیس بعدی مجلس!

آفتاب یزد: همه درگیر بازگشت جناب استراماچونی سرمربی استقلال هستند. پیگیری بازگشت آقای استراماچونی کل فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی کشور علی‌الخصوص انتخابات را در بر گرفته است که گویی وی ریاست مجلس شورای اسلامی را چندماه دیگر برعهده خواهد داشت. دلیل اینکه یک اتفاق ساده در حوزه ورزش باید کل فضای

کشور را در برگرد چیست؟ چرا باید چندین وزارتخانه و مسئول درگیر بازگشت مربی یک تیم ورزشی شوند، آنهم درحالی که یک قرارداد ۲ ساله منعقد شده. سرمربی که مشخص نیست نهایتاً یک جام برای این تیم کسب کند یا نه چگونه است که در میانه راه خواهان تعدیل آن به یکسال هست؟

چرا باید دولت در این حد در ورزش دخالت کند و هنگامی که قهرمانی‌های دو تیم استقلال و پرسپولیس زیر سوال می‌رود موضع می‌گیرند که دخالت مسئولین دولتی نقشی در این قهرمانی‌ها ندارد. دخالت از این بالاتر که هر دو تیم در یک شرایط نابرابر دارای ردیف بودجه دولتی هستند و هر وقت به بن بست می‌خورند تمامی تلاش‌ها برای سروسامان گرفتن آنها صورت می‌پذیرد؟ چرا چنین موضع‌گیری‌ها در مورد باشگاه شاهین شهرداری بوشهر یا پارس جنوبی جم صورت نگرفت؟ دلیل آن این است که طرفداران آن کمتر هستند؟ آقای زنوزی که مالک یک باشگاه پرتطرفدار، تراکتورسازی هست اعلام کردند که قصد بازگرداندن تیم را دارند و احتمالاً این امر نیز در حوزه ورزش و فوتبال یک بحران ایجاد خواهد کرد اما چرا دچار بایکوت رسانه ای قرار گرفته است؟

ورزش تا جایی خوب است که در حوزه ورزش بماند و مسئولین سیاسی بیشتر دنبال حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم باشند. بهتر است به جای تصمیم‌های شبانه و سپس ادعای بی‌خبری از این سیاستها در میان مردم گشت و مشکلات را نه از پشت شیشه ماشین و چهره مردم بلکه رودرو با مردم نظرسنجی نمود. چرا دغدغه و مشکلات مردم با اموری این چنینی مورد سخره قرار می‌گیرند و بر زخم‌های آنها نمک پاشیده می‌شود.

چوپان دروغگوی دهکده جهانی ...

الف: یکی از همین رسانه‌هایی که مأموریت اسلام‌ستیزی را به خوبی انجام می‌دهد، خبرگزاری انگلیسی رویترز است که دفتر مرکزی آن در لندن قرار دارد و برای سراسر دنیا خبرپراکنی می‌کند؛ البته هر جا دستور دریافت کند اخبار را با چاشنی دروغ هم منتشر می‌کند چرا که در نظام سرمایه‌داری، اصالت با سود است و برای کسب سود، هدف هر وسیله‌ای را توجیه می‌کند. حال این خبرگزاری روز دوشنبه ۲ دی ۱۳۹۸ در مطلبی ادعا کرد در جریان اغتشاشات آبان، ۱۵۰۰ نفر جان باخته‌اند و جالب آنکه برای عینیت بخشیدن به خبر خود آن را به «منابع آگاه در مراکز امنیتی» ایران نسبت داد. اما کیست ندادند که بالاترین مرجع امنیتی ایران، شورای عالی امنیت ملی است، رئیس مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی دبیرخانه همین شورا، اقدام رویترز را «خبرسازی‌های جعلی و بدون مدرک» دانست و تاکید کرد حالا که رویترز نمی‌خواسته منبع یا سند یا حتی یک قرینه کوچک ارائه کند، چرا به ۱۵۰۰ نفر کفایت کرده، مثلاً می‌توانست بگوید ۲۰ هزار نفر کشته‌اند؟». البته خبرگزاری میزان نیز اعلام کرد «منبع خبر رویترز مریم رجوی سرکرده گروه تروریستی منافقین است». دروغ‌پراکنی رویترز به این یک مورد ختم نمی‌شود اواسط فروردین سال ۱۳۹۱ بود که دفتر رویترز در تهران تعطیل شد، این اقدام پس از آن صورت گرفت که رویترز گزارشی تصویری با عنوان «هزاران زن نینجا به عنوان آدمکش در ایران آموزش می‌بینند» از رزمی‌کاران زن ایرانی منتشر کرد. رویترز چندساعت بعد تیتراژش را به «سه هزار زن نینجا در ایران» تغییر داد و با ادامه‌ی اعتراض‌ها گزارش را از روی وبسایت رویترز حذف کرد.

فقدان ریش سفید در کشور به شدت حس می‌شود

آرمان ملی: در سالگرد روزهایی که لایحه ملی شدن نفت به وسیله دکتر محمد مصدق به مجلس شورای ملی تقدیم می‌شد و بحث‌ها درباره آن شدت گرفته بود به چند و چون رقم خوردن این رویداد مهم تاریخ معاصر ایران پرداخته ایم.

رویدادی که در پس آن یک دیکتاتوری محض رقم خورد و فضای باز سیاسی کشور را به کلی نابود کرد. مکی، حائری زاده و بقایی رجال سیاسی استخوان‌داری بودند که توانستند در آن دوران در کنار مصدق راهی مجلس شوند و به پشتوانه قدرت سیاسی خود ملی شدن نفت را به سرانجام برسانند. متأسفانه ما امروزه رجالی در این سطح نداریم و رجال سیاسی غالباً اصطلاحاً استخوان‌دار نیستند. اگر رجال استخوان‌دار داشتیم حوادث اخیر رقم نمی‌خورد. متأسفانه فقدان ریش سفید در کشور به شدت حس می‌شود. به همین سبب نیاز است این رویداد در این روزها به خوبی مطالعه شود تا هم از جریان سازی‌های رسانه‌ای آن و هم از اختلافات رجال سیاسی آن دوران درس بگیریم تا دوباره کشور به ورطه‌ای خطرناک سقوط نکند. متأسفانه فقدان ریش سفید در کشور به شدت حس می‌شود. حتی در زمان رضا شاه و احمد شاه چنین ریش‌سفیدهایی وجود داشته است. مستوفی الممالک و مخبرالسلطنه با سخنرانی‌های خود اوضاع را آرام می‌کردند. اگر ریش‌سفید داشتیم حوادث اخیر به خوبی مدیریت می‌شد و ما همچنان درگیر تبعات آن نبودیم. در آن برهه زمانی مصدق توانست با قدرت سیاسی خود این جریان را سر و سامان دهد و با نمایندگان مجلسی که به او پیوستند ملی شدن نفت را در دستور کار قرار دادند. نیک نامی مصدق پشتوانه مردمی نیز برای او ساخت. مصدق هیچ‌گاه از دولت حقوق دریافت نکرد و همیشه به درستکاری شناخته می‌شد. حتی زمانی که وزیر دارایی بود نیز هیچ‌مبلغی از دولت دریافت نکرد و همیشه می‌گفت من مال و اموال دارم و نیازی به این پول‌ها ندارم. پدر مصدق شخصیتی ثروتمند بود و چندین ملک برای او باقی گذاشته بود.

احمدی‌نژادسازی از روحانی؛ تهدید خانه‌نشینی و انتشار کلیپ

اعتماد: استعفا، استعفا و بازهم استعفا؛ کلیدواژه‌ای پرتکرار در سپهر این روزهای سیاست ایران. کلیدواژه‌ای که این روزها بیش از هر فردی درباره عالی‌ترین مقام اجرایی به کار برده می‌شود ولی با این تفاوت که اگر تا دیروز از سوی محمود احمدی‌نژاد و یارانش به زبان آورده می‌شد، این روزها مرزهای اصولگرایی را در نوردیده و دست‌کم از سوی برخی تک‌چهره‌های اصلاح‌طلب نیز منتقل شده تا دو قطبی اصلاح‌طلب و اصولگرا حداقل در این مورد خاص به‌طور تام و تمام رعایت نشده باشد. نصرالله پژمان‌فر، نماینده اصولگرا و عضو جبهه پایداری مشهد در مجلس آخرین کسی است که با استفاده از کلیدواژه «استعفا» جنجال‌ساز شده و نه فقط شخص حسن روحانی، بلکه محمدباقر نوبخت، به عنوان یکی از اعضای حلقه اعتدال و توسعه‌ای‌های فعال در پاستور و رییس سازمان برنامه و بودجه را نیز هدف قرار داده است اما این‌بار با بهانه‌ای اقتصادی؛ «بودجه ۹۹». «تهدید روحانی به استعفا، نمایندگان را از رد کلیات بودجه منصرف کرد»؛ این عنوان گزارش رجانیوز به عنوان پایگاه اطلاع‌رسانی نزدیک به سعید جلیلی و جبهه پایداری است که به نقل از نصرالله پژمان‌فر آورده شده است. او تهدید روحانی را «خانه‌نشینی» و انتشار «کلیپ» عنوان کرده و به نقل از نوبخت آورده است که «اگر آقای روحانی در خانه بنشیند و یک کلیپ درست کند و بگوید: مردم! یک راه دیگری وجود داشت که نگذاشتند من این راه را بروم! آن موقع ببینید چه مشکلاتی پیش می‌آید!» این نماینده مجلس درباب چرایی برگزاری نشست محرمانه در کمیسیون تلفیق میان نمایندگان پارلمان و پاستور گفته است: «از اول هم این صحبت‌ها برای این بود که رای نماینده را تغییر دهد. به همین دلیل غیر نماینده‌ها را بیرون کردند و جلسه را به نوعی محرمانه کردند!»